

جایگاه فضای بینابین در سازماندهی فضایی عناصر معماری و شهری در ایران

مطالعه موردی: شهر تبریز در دوره قاجار

لیدا بلیلان اصل^{*۱}

lidabalilan@hotmail.com

داریوش ستارزاده^۲

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۸۸/۵/۱

چکیده

مقدمه: مطالعه سازماندهی فضایی عناصر معماری و شهری بافت‌های تاریخی اغلب شهرهای قدیمی حکایت از نظم بسیار دقیق و حساب شده ای می‌نماید. نظمی که در طی سالیان و بر اساس تجارب در زمینه‌های مختلف حاصل شده و نشان دهنده این مطلب است که بافت تاریخی در ذات خود از هماهنگی برخوردار بوده و عناصر تشکیل دهنده آن هم پیوند و مکمل یکدیگر می‌باشند.

روش کار: نیل به هدف از طریق تحلیل محتوی متون با رویکردی پدیدارشناسانه و روش تحلیل تاریخی صورت پذیرفته است.

بحث و نتیجه گیری: بنا بر ادعای این مقاله در محدوده‌های تاریخی شهرهای سنتی ایران بین عناصر مختلف، فضاهای رابطی وجود داشته‌اند که از جمله عوامل مهم تأثیر گذار بر سازماندهی فضایی مجموعه‌های معماری و شهری در گذشته، و به عبارتی عامل مهم پیوند فضایی عناصر به یکدیگر با هویتی واحد محسوب می‌شده‌اند. بنابراین هدف این مقاله شناسایی و تعیین نقش فضاهای رابط و به عبارت دیگر فضاهای بینابین، در سازماندهی و پیوند فضایی عناصر معماری و شهری شهر تبریز می‌باشد. بر اساس تحقیقات انجام شده، فضای بینابین در بافت تاریخی تبریز به دلیل ویژگی پویایی و انعطاف‌پذیری بالای خود همچون غشاء سلول وظیفه دریافت، تفسیر، تغییر، تبدیل و تحول داده‌ها را داشته است. در حرکتی چرخشی، فضای بینابین با بهره‌گیری از مبانی و اصول حاکم بر روابط فضایی، بر چگونگی سازماندهی فضایی مجموعه‌ها در تبریز قاجاری مؤثر بوده و در ادامه مجموعه‌های سازماندهی شده از طریق ویژگی‌های فضایی شان، در توسعه و تکامل فضاهای بینابینی تأثیر گذار شده‌اند. این نتیجه بر جامعیت مفهوم فضای بینابین در مقیاس‌های متعدد شهری و معماری تبریز قاجاری بطور همزمان کمک نموده است.

واژه های کلیدی: فضا، فضای معماری، بینابینی، فضای بینابین، سازماندهی فضایی.

۱- دکترای معماری، استادیار دانشکده معماری و هنر، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران* (مسئول مکاتبات)

۲- دکترای شهرسازی، استادیار دانشکده معماری و هنر، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

مقدمه

(۳). جامعیت شناخت فضای معماری، در گرو حداقل آشنایی و دسته بندی وجوه متعدد فضا و بررسی مشخصات هر دسته می باشد. از این رو منابعی مورد مطالعه قرار گرفته که به بررسی وجوه مختلف فضای معماری پرداخته است. کاپن^۲ در کتاب نظریه های معماری^۴، به معرفی سه ویژگی شکل^۵، کارکرد^۶ و معنا^۷ به عنوان اصلی ترین ویژگی های فضای معماری پرداخته است. بدین ترتیب فضای واسط نیز علاوه بر مشخصه تمایز کالبدی و فیزیکی فضاهای مجاور دارای ویژگی های کارکردی و مفهومی متعددی خواهد شد.

گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها به روش توصیفی و تحلیل محتوی متون با رویکردی پدیدارشناسانه و تحلیل و تطبیق داده ها و مصادیق با رویکرد اسنادی- تاریخی انجام خواهد پذیرفت. منابع گردآوری اطلاعات عبارت از متون نوشتاری فارسی و لاتین شامل لغت نامه ها، کتب، مجلات تخصصی، رساله ها و نیز نمونه های موجود از معماری ایرانی می باشند.

○ واژه شناسی فضای بینابین

واژه In-between معادل انگلیسی لغت بینابینی در فارسی است. در لغت نامه تخصصی معماری در تعریف این واژه چنین آمده است: «بینابین فضایی که دایما در حال حرکت است، مکانی در خودش، محدودیتی ساخته شده در حاشیه، فتح بین قلمرو دو جنگو، مبهم، سرگشته، دور رگه و نامعلوم. بینابین، لزوما یک فضایی خالی و یا یک فضای باقیمانده نیست. در یک هندسه با روابط پیچیده بینابینی به مکانی استوار تبدیل می شود، مکانی که هندسه آن را دم و بازدم می کند، یک مکان

۳- Capan

۴- Architectural Theory

۵- شکل: ویژگی ها و امکانات ذاتی و درونی، متناظر با موجودیت

چیز، با وجود و هستی مستقل و منفرد. (۱۹)

۶- کارکرد: ویژگی ها و نیروهای خارج از امکانات ذاتی چیز، متناظر با رابطه یا قاعده بین دو چیز که می تواند مجرد از مجاورت آن دو انتزاع یافته و مطالعه شود. (۱۹)

۷- معنا: متناظر با مفهوم تعمیم یافته، انتزاعی یا ذهنی از چیزها و روابط بین آنها. (۱۹)

یکی از اصطلاحات مبنا در این پژوهش فضای بینابین است. در حالیکه به جرأت می توان ادعا نمود که به استثنای تعاریفی کلی از سوی برخی منابع و بعضا اندک افراد متخصص، تعریف دقیقی از فضای بینابین در دست نیست. برخی منابع که از فضای بینابین به عنوان حدفاصل فضای داخل و خارج یاد می کنند. «فضای بینابین وجودی است که در ابتدا ساخته می شود و بخش های مختلف فضاهای داخل از این طریق با فضاهای خارجی مرتبط می شوند.» (۱) همچنین «فضای بینابین یعنی لحظه تغییر از فضایی به فضای دیگر، از عملکردی به عملکرد دیگر و... این تغییر نیازمند آستانه ای است تا بروز کند. به عبارت دیگر آستانه، ابزار تغییر است. مثلاً تغییر بین خانه و فضای اطراف که آستانه آن حیاط می باشد.»^۱ و یا منابعی که فضای بینابین را حدفاصل فضای نو و کهنه می دانند؛ همانند برنارد چومی معمار معروف فرانسوی که آن را «استراتژی بینابینی تلقی نموده» و «منظور از فضای بینابین را فضایی می خواند که در آن بنایی از قبل موجود و آنچه خود جاسازی می کند، به هم می رسند. این کار، تلفیق بنای کهن و نو و محصول کلی بسیاری از طرح های اوست.» (۲)

همان گونه که مشاهده می شود، کمبود منابع معتبر پژوهشی در این زمینه موجب گشته تا تعاریف متفاوت و بعضا متناقضی از فضای بینابین ارائه شود. به عبارت دیگر؛ باور به وجود فضای سوم، چگونگی و کیفیات آن متناسب با زاویه دید تعریف و تفسیر می شود. ولی آنچه که به موضوع انسجام و قدرت می بخشد بررسی موضوع بینابینی در حیطه و گستره فضا است. چرا که "فضا همواره به عنوان مفهومی میان دانشی^۲ مطرح بوده است و فضای معماری به عنوان بعدی از فضا که رابطه ای همه جانبه با سایر ابعاد آن دارد، شناخته می شود."

۱- پایان نامه ای تحت عنوان / Thresholds and Transitions/ In-between the public and private realm در دانشکده پلی تکنیک ویرجینیا در سال ۲۰۰۵.

۲- فضا به عنوان مفهومی میان دانشی دارای ابعاد گوناگون فیزیکی و اجتماعی، مطلق و رابطه ای، ذهنی و واقعی، فضا به مثابه زمان و مکان می باشد.

○ مرزشناسی فضای بینابین

ساده‌ترین حالت تحدید فضا، اتصال و یا انفصال فضای درون از فضای بیرون است. «قدمت تقسیم‌بندی فضای درون از بیرون به زمانی برمیگردد که انسان برای نخستین بار اقدام به ساختن پناهگاه نمود. تفاوت میان این دو فضا زمانی آشکار شد که بشر به آرامی و از طریق توسعه الگوهای متفاوت رفتاری انواع فعالیت‌های خود را از خارج به فضای داخل منتقل نمود.» (۱)

این تغییر رفتار فضایی و پیشرفت تدریجی و متداوم به صورت تصاعدی در طول تاریخی از طریق تغییر اسلوب‌های زندگی و شیوه‌های تولید ادامه یافت (۱) بولنوف^۴ در رابطه با جدایی فضای درون و بیرون می‌گوید: «این دوگانگی بین درون و بیرون مبنای هر گونه ادراک فضا است و حتی در تمام زندگی نیز قابل پیگیری می‌باشد.» «تنش موجود بین این دو قطب و ارتباط متقابل و تعادل بین آن دو ضروری است. سلامت درونی انسان حکم می‌کند که کار در بیرون و آرامش در فضاهای خانه انجام گیرد.» (۵) هیلبر و هانسون روابط بین داخل و خارج را مبتنی بر کارکردهای اجتماعی می‌دانند: «مهم‌ترین نتیجه سلول اولیه در تمایز بین درون و بیرون جای دارد، یعنی در تمایز بین فضاهای داخلی بنا و فضاهای خارجی جمعی ... تمایز بین داخل و خارج حاصل از تفاوت نحوه ایجاد و کنترل جوامع بر برخوردهای فردی و اجتماعی است.» (۶) در طول تاریخ همواره رابطه بین فضای درونی و فضای بیرونی انسان را درگیر حفظ رابطه با طبیعت و جامعه توأمان نموده است. «دیواری که دو فضا را از هم جدا می‌سازد، [علاوه بر تفکیک دو فضا] از طریق ورودی‌ها و بازشوها به عنوان واسطه ارتباطی میان دو فضا رفتار می‌نماید. از سوی دیگر محدوده مقابل هر سرپناه عاملی جهت تجمع و مکانی برای فعالیت‌های متنوع می‌شود. این رابطه یک حقیقت غیرقابل اجتناب است زیرا که بدون آن تمامی کارکرد یک فضای محصور میسر نخواهد شد.» (۱)

پس جدایی و یا اتصال دو فضا همواره نیازمند فضای سوم است تا بروز نماید. همان گونه که در بحث واژه شناسی

ابهام‌های همزمان. بنابراین بینابین جدا نمی‌کند، بلکه همواره ملحق می‌نماید. « (۴) در ادامه مطلب همچنین تعاریفی در رابطه با معماری فضای بینابین آورده شده است: «معماری روابط و تماس‌ها، معماری بدون محدودیت‌ها، معماری بی‌قید و بند، معماری اتصال‌های حداقل و بی‌علاقه، معماری که در موقعیت‌های سخت خودش را نیرومند می‌کند. حالت تماس، مکان مورد علاقه این نوع معماری است. معماری بینابین هر چیزی را که بتواند برای ساختش استفاده کند را به طرف خودش جذب می‌کند.» (۴) در لغت نامه دهخدا^۱ واژه **بین** از جمله لغات اضداد به معنی **جدایی و پیوستگی، فرق و فصل** میان دو چیز و **جدایی** آمده است. این واژه به معنی **میان و وسط** گاهی به عنوان اسم و زمانی ظرف زمان و یا ظرف مکان می‌آید. بدین ترتیب لغت بین بسته به تعریف و شرایط استفاده می‌تواند با لغاتی همچون **وصل، پیوستگی، فصل، جدایی، مرز، حد، لبه، جداره، آستانه**، و در نتیجه **رابط** هم معنی و مترادف شود. این لغات به همراه مفاهیمشان زمانی در **گستره فضای معماری** اعتبار خواهند داشت، که همواره دو فضای همسان^۲ و یا غیر همسان^۳ حضور داشته باشند. ساده‌ترین حالت تحدید فضا اتصال و یا انفصال دو فضای درون و بیرون از یکدیگر است. جدایی و یا پیوستگی دو فضای **درونی و بیرونی** دلالت بر جدایی و یا ارتباط دو فضای عمومی و خصوصی می‌نماید. تفکیک فضای عمومی و خصوصی از یکدیگر زمانی نمود فضایی می‌یابد که مفاهیم معرف بینابینی در معماری و به عبارتی بعد معنایی فضای بینابین مشخص گردد. ارتباط اتصال و یا جدایی فضاهای مجاور نیز ماحصل چگونگی ارتباط فضایی آن‌ها با یکدیگر خواهد بود.

گام اول در تبیین ویژگی‌های فضای بینابین، مرزشناسی فضای سوم خواهد بود.

۱- برگرفته از CD لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران.

۲- منظور فضاهایی با ویژگی‌های شکلی، کارکردی و معنایی متشابه می‌باشد.

۳- منظور فضاهایی با ویژگی‌های شکلی، کارکردی و معنایی متفاوت می‌باشد.

نوربرگ شولتز برای فضای خصوصی در چارچوب محدوده فردی، اصلیت و اهمیت قابل است و می‌نویسد: «فضای شخصی فضای امنی است که در آن انسان نزدیک‌ترین فاصله را با خودش دارد.» (۷) تأمین فضای شخصی^۶ یکی از ساز و کارهای اصلی دست یافتن به خلوت است. راپاپورت خلوت را «توانایی کنترل اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه فرد» تعریف کرده است. (۸) نوع و میزان خلوت مطلوب به الگوی جاری فعالیت، زمینه فرهنگی و شخصیت و انتظارات فردی وابسته است. استفاده از دیوار، پرده و نشانه‌گذاری نمادین و واقعی برای تأمین قلمرو مکانی و فاصله‌ها، همگی روش‌هایی برای تأمین خلوت هستند (۹). خلوت بیش از اندازه به احساس انزوای اجتماعی، و خلوت کم به احساس ذهنی ازدحام منجر می‌شود (۱۰). تعریف فضای شخصی و خلوت در نهایت منجر به تعیین حریم و در نتیجه تأمین قلمرو می‌شود. «قلمرو مکانی فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. قلمرو با یک مکان هویت روانشناختی می‌یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به صورت نماد در می‌آید.» (۱۱) آلتمن قلمرو مکانی را نه تنها تأمین‌کننده خلوت بلکه تثبیت‌کننده روابط اجتماعی نیز می‌داند (۱۰).

با توجه به مطالب مطرح شده، فضای بینابین با مفاهیمی همچون همجواری، خلوت، ازدحام و... همراه است. این لغات به لحاظ کارکرد؛ فضای شخصی، فضای اجتماعی، فضای عمومی و فضای خصوصی را می‌سازند. این فضاها نشان‌دهنده و نمایانگر میزان حریمیت و به عبارتی حریم و قلمروی میان عرصه‌های متعدد فضایی می‌باشند. چرا که «رعایت حریم نه تنها عامل تفکیک و تشخیص پدیده از حوزه‌های همجوار است بلکه بر چگونگی نحوه اتصال هم دلالت دارد.» بنابراین یکی از اصلی‌ترین وظایف فضای بینابین کنترل قلمرو و مالکیت می‌باشد. دریافت، تفسیر، تغییر و تجزیه و ترکیب اطلاعات و مفاهیم نیز از جمله کارایی‌های فضای بینابین به لحاظ معنایی می‌باشد. بنابراین فضای بینابین محل

آمد، شناخت ویژگی‌های فضایی، فضای بینابین نیازمند بهره‌گیری از واژه‌هایی است که گویای وجوه متعدد شکلی، معنایی و ارتباطی این فضا باشند. از این رو اطلاق واژه «آستانه» در حد فاصل دو فضای معماری- همسان و یا غیر همسان- مناسب‌تر می‌باشد. چرا که آستانه همانند یک حوزه انتقالی^۲ عمل نموده و با ارایه اشکال مختلف موجب تلفیق و یا تفکیک حداقل دو فضا می‌گردد و از این نظر نسبت به مفهوم مرز یا دیواری که ونچوری^۳ به عنوان برآیند نیروهای داخلی و خارجی طرح می‌نماید یا درگاه و پلی که سیمل^۴ جهت ارتباط در فضا ارایه می‌نماید، جامع‌تر و کامل‌تر است. در طیف مشخصه‌های کالبدی تجلی یافته از ارتباط مطلق تا انفکاک مطلق، مفهوم دیوار و مرز نیز جای دارند. پل در یک قطب با مشخصه برقراری ارتباط، دیوار در قطب دیگر با ویژگی ایجاد انفکاک و آستانه در حد فاصل این دو واقع شده است و دلالت بر امکان تعامل و تبادل متداوم فضاهای مجاور دارد. این امر نشان‌دهنده قابلیت این فضا در روبرویی با مفاهیم متعدد است.

○ مفاهیم معرف فضای بینابین

واژه شناسی فضای بینابین حاکی از آن می‌باشد که در ساده‌ترین حالت جدایی دو فضای **درونی** و **بیرونی** دلالت بر جدایی دو فضای عمومی و خصوصی می‌نماید. جدایی فضایی عمومی و خصوصی از یکدیگر زمانی نمود می‌یابد که واژه‌هایی همچون همجواری^۵، خلوت و ازدحام تعریف شوند.

۱- آستان، درگاه، گذرگاه، کفش کن (دهخدا، Threshold)

۲- از دیدگاه شولتز توأم در فضای هستی نیازمند یک حوزه انتقالی است تا فضای درون را که نشان‌دهنده سکونت بشر است را به فضای بیرون یعنی هستی متصل نماید (۲۳).

۳- «... از آنجایی که درون متفاوت از برون است، دیوار- محل تغییر و تفاوت- رویدادی معماری می‌شود... معماری به عنوان دیوار بین درون و بیرون، به ثبت فضایی این تفاهم و این درام می‌پردازد.» (۲۰)

۴- سیمل جهت معرفی اشکالی که بر پویای زندگی ما غلبه دارند، از دو مفهوم درگاه و پل استفاده می‌کند... پل مشخصه شیوه ای است که انسانها، چیزهای طبیعی منفک را با هم متحد کرده و درگاه حکایت از نحوه ایجاد انقطاع در وحدت متداوم یکسان وجود طبیعی دارد (۲۱).

۵- اصطلاح همجواری Proxemics برای تعریف و تبیین مشاهدات و تئوری‌های مرتبط به استفاده انسان از فضا به کار برده می‌شود (۲۲).

است که می‌توان «فضا را نظیر نظامی مجزا برشمرد که مبتنی بر روابط خاصی عمل می‌کند. ماهیت و شکل این نظام مرکب، محصول علیت زمانی- مکانی نیست، بلکه قاعده‌ای است که پیرو موجودیت‌های فضایی مجزا می‌باشد. هر چند ساختار کلی نظام (به صورت یک کلیت واحد) برخاسته از مجاورت اجزاء تشکیل دهنده آن می‌باشد، اما شکل نهایی آن، تنها حاصل این مجاورت نیست، بلکه حاصل قواعد فضایی نیز می‌باشد که مستقل از مجاورت اجزا عمل می‌کنند.» (۶) بدین ترتیب انتخاب نوع اجزاء، روابط فی مابین آن‌ها و ساماندهی به آنان از نوعی نظم و الگویی تبعیت می‌کند که بنا بر نظریه گشتالت، متفاوت از جمع جبری تأثیر هریک از عناصر به تنهایی یا تک تک روابط خواهد بود.

ملاحظات فوق از طریق محتوای روابط عناصر همراه هم، به کمک ویژگی‌های فضای بینابین، نظمی هدفمند میان عرصه‌بندی‌ها را فراهم می‌کنند. کسب این نتیجه از آن‌رو مهم است که در واقع چگونگی ربط عناصر و کیفیت ارتباط شان شخصیت یک فضا را می‌سازد و در جریان ایجاد پیوند، فرم‌های ارتباطی بین فضایی سطوح را در درجات مختلف مرتب می‌نماید. این تأثیرگذاری به صورت یک سویه از روابط شکلی به حوزه‌های کارکردی یا معنایی نمی‌باشد، بلکه، رابطه‌ای دو سویه و یا چند سویه میان فضای بینابین از لحاظ شکلی، معنایی و ارتباطی با فضاهای اطراف برقرار می‌کند، بدین ترتیب نمود فضای بینابین با ویژگی ارتباطی‌اش، تفاوت‌های موجود در عرصه‌های مختلف را به دلیل تفاوت مفاهیم سازنده آن‌ها، به نسبت‌های مختلف مراتب فضایی تبدیل می‌نماید و این امر بواسطه تعیین الگوی ارتباط و نظم حاکم بر روابطی است که در نهایت منجر به سازماندهی فضایی می‌گردد.

○ تأثیر فضای بینابین در سازماندهی فضایی

عناصر معماری و شهری تبریز قاجاری

سرانجام ویژگی‌های فضای بینابین قابل جمع‌بندی در سه قالب ۱. تقابل؛ ویژگی‌های کالبدی- شکلی، ۲. تفاهم؛ ویژگی‌های معنایی و ۳. تعامل؛ ویژگی‌های کارکردی- ارتباطی

مواجهه کارکردهای درونی و برونی می‌گردد و به مثابه برآیند تأثیرگذاری نیروهای درونی و برونی، هم به تحدید شکلی که واجد معناست می‌پردازد و هم امکان تعامل و ارتباط آن شکل را با پیرامون فراهم می‌آورد.

○ ویژگی‌های ارتباطی فضای بینابین

مرز میان دو فضا علاوه بر آنکه مبین ویژگی‌هایی شکلی و معنایی است بر ویژگی‌های ارتباطی نیز دلالت می‌نماید. چرا که «انسان هم به فضای درون و هم فضای بیرون و هم به امکان حرکت بین این دو فضا نیازمند است. از این رو، این دو قابل جدایی مطلق نیستند و همیشه ارتباطی کم و بیش شدید بین آن‌ها وجود دارد. نوع ارتباط بیش از هر چیز تابع نوع روزه‌های فضای داخلی از یک سو و رابطه فضایی بین جداره‌ها از سوی دیگر است. محل و فرم این ارتباطات بین داخل و خارج از تناقضی حاصل می‌شود که در ذات این ارتباطات وجود دارد. به این معنی که از طرفی بایستی فضای داخلی فضایی باشد محصور و بسته شده در مقابل محیط خارج و از طرفی دیگر بایستی قطعاً بین دو فضا ارتباطی وجود داشته باشد. چرا که هر دو این فضاها جمعا محیط زندگی انسان را تشکیل می‌دهند و دارای ضرورت حیاتی می‌باشند.» (۵)

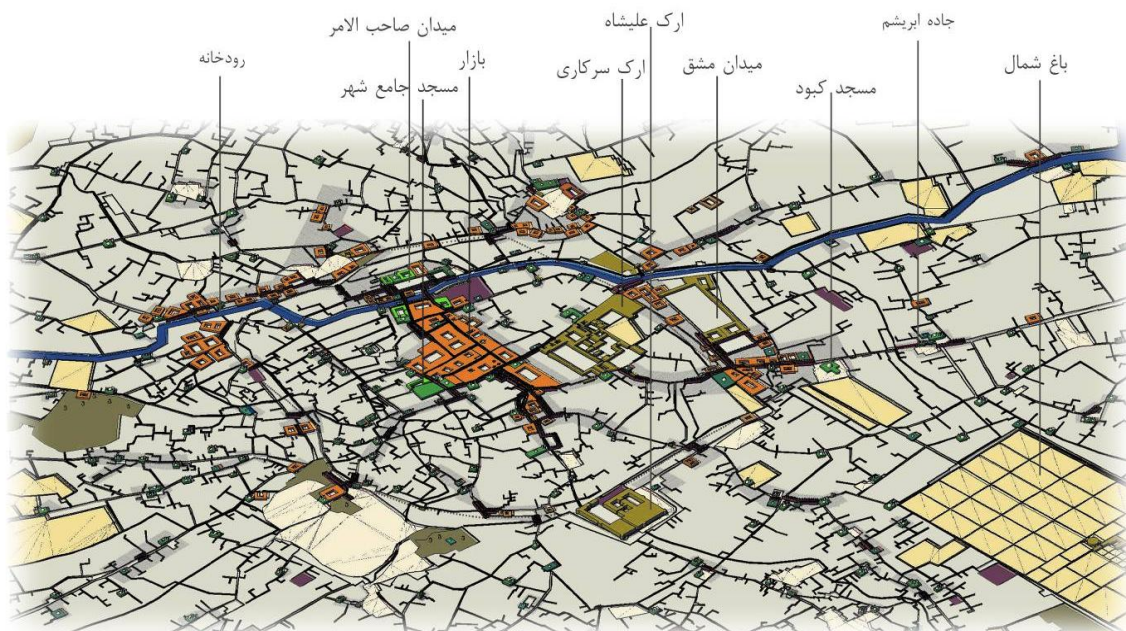
نحوه ارتباط و اتصال دو عنصر همواره یکی از دغدغه‌های ذهن بشر بوده است. «یکی از خصوصیات بارز ذهن انسانی، کاربرد فراوان نظام‌هایی متشکل از روابط می‌باشد؛ کلیه زبان‌ها و نظام‌های نمادین، نظام‌های رابطه‌ای پیچیده‌ای هستند که به طور روزمره اساس تفکر و شناخت انسان محسوب می‌شوند. همین امر نیز به شناخت ما از بناها باز می‌گردد. بنیادی‌ترین خصوصیات آن‌ها، ساماندهی فضا به نظام‌های رابطه‌ای است.» (۶) روابط بین اشکال و عناصر، مجرد از ذات عناصر می‌باشد و از موقعیت آن‌ها نسبت به هم حاصل می‌گردد. به تبع بحث از موقعیت، خواه ناخواه مفهوم فاصله و جایگیری عناصر در بستر فضایی جامع‌تری نیز طرح می‌گردد. بنابراین می‌توان این گونه استنتاج نمود که روابط مابین عناصر مجموعه معماری در بستر فضایی جای دارند. با این دیدگاه

فضایی انجام می‌پذیرد. همچنین از دیدگاه اندیشه و عرفان اسلامی، وجود سلسله مراتب میان عالمهای متعدد امری بدیهی بوده و ارتباط میان عوالم مختلف از طریق واسطها صورت می‌پذیرد. این واسطها علاوه بر وظیفه ارتباط، نقش تکاملی خود را پس از دریافت از طریق تفسیر، تغییر و تبدیل ایفا می‌نمایند. نمود این تفکر در مجموعه‌های معماری و شهری ایران در قالب عناصر بینابین در مقیاس‌های متعدد قابل مشاهده و بررسی است.

شهر تبریز قاجاری مبین ساخت ویژه‌ای است و آن پیوستگی مجموعه مرکز شهر و محلات از طریق گذرهای اصلی و بازار می‌باشد که وظیفه پیوند میان عناصر مهم شهر را بر عهده داشته‌اند. در بافت‌های کهن شهر تبریز، مرکز شهر و مراکز محلات از طریق گذرهای اصلی به هم ارتباط پیدا می‌کنند. مجموعه مرکز شهر متشکل از عناصر مختلف از نزدیک دروازه‌ها شروع شده و تا محله‌ها ادامه داشته است. عناصر اصلی مجموعه مرکز شهر را مسجد، راسته بازارهای مختلف، کاروانسرا، مدرسه، حمام و غیره تشکیل می‌داده است (۱۷).

خواهد بود، که در نهایت مجموع مشخصات و ویژگی‌های فضای بینابین در قالب الگوی نظری تحقیق مبین نقش فضای بینابین در هویت بخشی گستره فضای معماری از طریق تأثیر مستقیم این فضا در سازماندهی فضایی می‌باشد.

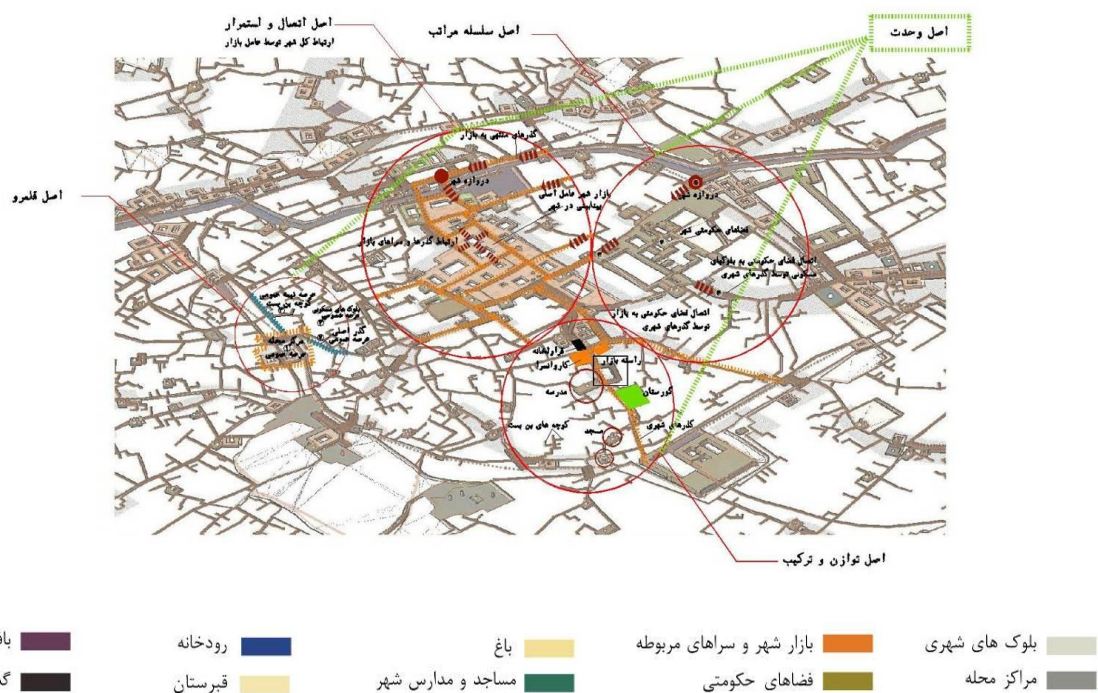
در این الگو تمرکز معنا، تعامل کارکردی و تمایز شکلی بر محصوریت فضای درون توسط آستانه‌ای که امکان ارتباط و اتصال با بیرون را می‌دهد، دلالت دارند. فضای بینابین با هدف اتصال و ارتباط و دارا بودن مفاهیم و معانی متعدد، ماهیتی دو وجهی می‌یابد، هم فرایند و هم محصول فرآیند می‌شود. بدین سان علاوه بر آن که به فرایند شکل دادن فضاهای اطراف کمک می‌نماید، به درجه‌بندی و جهت‌گیری مفاهیم تقابل، تعامل و تفاهم بطور هم‌زمان کمک می‌نماید. بدین ترتیب آستانه علاوه بر تعیین و کنترل قلمرو و مالکیت؛ دریافت، تفسیر، تغییر و تبدیل اطلاعات را نیز به عهده داشته و به عنوان عامل تفکیک‌کننده، ارتباط‌دهنده، اتصال‌دهنده از طریق حوزه انتقالی در سازماندهی فضایی دخالت می‌کند. این تأثیر از طریق تعیین اجزا و عناصر سازنده، الگوی ارتباط و نظم حاکم بر روابط در قالب برخی اصول سازمان‌دهنده از جمله سلسله مراتب



شکل ۱- شناسایی فضاهای بینابین در مقیاس کلان شهر تبریز در سال ۱۳۹۷ ه.ق (۱۸)

اردلان از اصطلاح سلسله مراتب همبندی فضایی استفاده می‌نماید تا چگونگی ارتباط فضایی عناصر شهری را توضیح دهد. در این راستا دو نوع نظام فضایی اولیه و نظام فضایی ثانویه را در اندام شهری معرفی می‌نماید. «نظام فضایی اولیه با راسته بازار شکل می‌گیرد. مسجد، مدرسه، قصر و دیگر فضاها و یا دروازه‌های اصلی به راسته اصلی بازار وصل می‌شوند. نظام فضایی ثانویه از نظام فضایی اولیه شاخه می‌گیرد. کوچه‌ها، دکان‌ها، مدارس، مساجد، کاروانسراها و حتی بعضی خانه‌ها به راسته اصلی وصل می‌شوند.» (۱۶) اردلان برای توضیح نحوه اتصال از الگوی همبندی فضا بهره‌گرفته است. همبندی یک فضا به فضای دیگر ناگزیر از الگوی بنیادی اتصال، انتقال و وصول پیروی می‌کند.

با توجه به ساختار الگوی نظری پژوهش، یکی دیگر از موارد مهم تأثیرگذار در سازماندهی فضایی، انتخاب نوع الگوی رابطه و نیز نظم حاکم بر روابط فضاهای همجوار است. مطالعه سازماندهی های فضایی مجموعه‌های معماری و شهری تبریز قاجاری، حاکی از آن است که «همجواری‌های هدفمند، ملزم به رعایت برخی از اصول معماری برگرفته از مفاهیم حاکم بر سازماندهی‌های فضایی همانند سلسله مراتب، پیوستگی، تمرکز، تعادل، تناسب، استمرار، مرکزیت، وحدت در کثرت و ... می‌شوند» (۳). این اصول کمک زیادی در شکل‌گیری ساختار فضایی مجموعه‌ها از مقیاس کلان شهری تا مقیاس خرد تک بناها نموده است (شکل ۲ و جدول ۱).





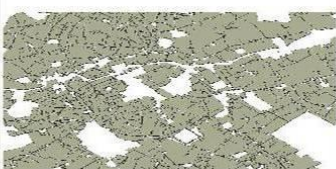





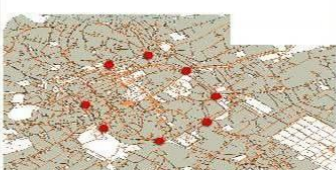





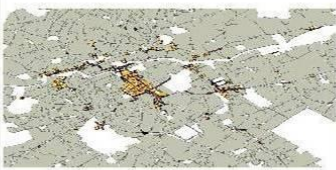








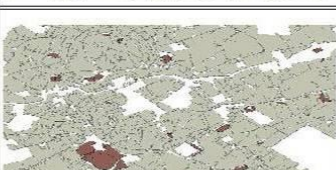
شکل ۲- نقش فضاهای بینابین در سازماندهی فضایی بافت مرکزی شهر تبریز از نقشه دارالسطنه قراجه داغی در

مقیاس میانی از طریق تأثیر در پیوستگی و سلسله مراتب فضایی و همچنین تعیین قلمرو

و حریم عرصه‌های عمومی و خصوصی (۳)

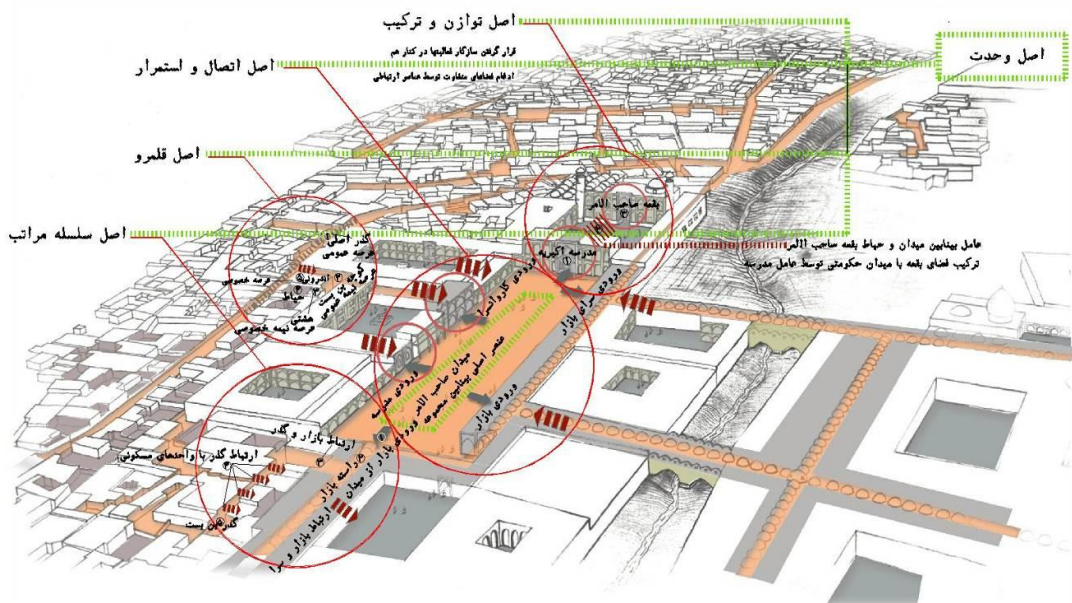
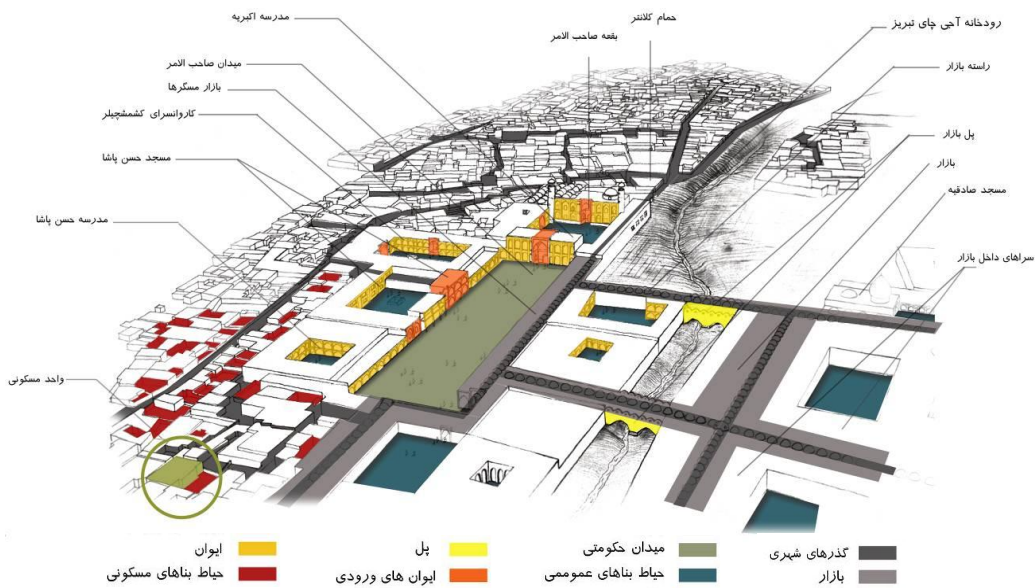
۱- برای مطالعات بیشتر در این زمینه به فصل چهارم رساله دکتری معماری لیدا بلیلان تحت عنوان ساخت و سازمان فضایی شهر و معماری ایرانی مراجعه شود (۳).

جدول ۱- نحوه تأثیر فضاهای بینابین در سازماندهی فضائی بافت در مقیاس کلان شهر تبریز از طریق تأثیر در اصل سلسه مراتب، اتصال و استمرار، توازن و ترکیب، وحدت و قلمرو (۳)

نقش در سازماندهی فضایی	معنا	کارکرد		شکل	مقیاس کلان
		اتصال	ارتباط و انتقال		
<p>اصل وحدت</p> <p>اصل تلبین و تضاد</p> <p>اصل توازن</p> <p>اصل استمرار</p>	<p>طراحی شهر به صورت یک کل مرتبط الیوا</p> <p>ظهور عناصر شهری در عین انسجام</p> <p>حیرت‌خیز فرم ها و اشکال با توجه به طبیعت</p> <p>ایجاد فضاهای محصور و واجد مقیاس انسانی</p>				<p>بزرگراه‌های شهری</p>
<p>اصل سلسله مراتب</p> <p>اصل وحدت</p> <p>اصل اتصال</p> <p>اصل توازن</p> <p>اصل استمرار</p> <p>اصل ترکیب</p>	<p>اتصال هیئت‌های فضایی</p> <p>طراحی شهر به صورت یک کل مرتبط الیوا</p> <p>پیوستگی و تحرک در سازماندهی فضایی محلی</p> <p>ترکیب و ارتباط منطبق عناصر کلان و محلی</p> <p>تأمین سیالیت فضا</p> <p>ادغام فضاهای متفاوت توسط عناصر ارتباطی</p>				<p>گذرهای شهری</p>
<p>اصل سلسله مراتب</p> <p>اصل تلبین و تضاد</p> <p>اصل اتصال</p> <p>اصل استمرار</p> <p>اصل قلمرو</p>	<p>ایجاد عناصر گونا و خصایصی اتصال</p> <p>ایجاد فضاهای محصور و واجد مقیاس انسانی</p> <p>تأمین فضا و عدم انقطاع و انسداد فضایی</p> <p>تأمین سیالیت فضا</p> <p>معلوم و مشخص نبودن قلمروهای فضایی</p>				<p>دروازه</p>
<p>اصل سلسله مراتب</p> <p>اصل قلمرو</p>	<p>تکنیک و اتصال فضاهای عمومی و خصوصی</p> <p>معلوم و مشخص نبودن قلمروهای فضایی</p>				<p>بارو</p>
<p>اصل وحدت</p> <p>اصل اتصال</p> <p>اصل استمرار</p> <p>اصل ترکیب</p>	<p>ایجاد کانونی یکپارچه و همبسته و هویتی بگانه</p> <p>تأمین فضا و عدم انقطاع و انسداد فضایی</p> <p>تأمین سیالیت فضا</p> <p>ادغام فضاهای متفاوت توسط عناصر ارتباطی</p>				<p>بازار</p>
<p>اصل وحدت</p> <p>اصل تلبین و تضاد</p> <p>اصل توازن</p> <p>اصل ترکیب</p>	<p>ایجاد همگنی و تجانس در مقیاس شهر</p> <p>ظهور عناصر شهری در عین انسجام</p> <p>قرار گرفتن سازگار فضاییها در کنار هم</p> <p>ادغام فضاهای متفاوت توسط عناصر ارتباطی</p>				<p>فضاهای حکومتی</p>
<p>اصل وحدت</p> <p>اصل توازن</p> <p>اصل ترکیب</p>	<p>ایجاد همگنی و تجانس در مقیاس شهر</p> <p>قرار گرفتن سازگار فضاییها در کنار هم</p> <p>ادغام فضاهای متفاوت توسط عناصر ارتباطی</p>				<p>مساجد و مدارس</p>
<p>اصل اتصال</p> <p>اصل استمرار</p>	<p>همبندی فضاهای و تجربه فضایی سیال</p> <p>تأمین سیالیت فضا</p>				<p>گورستان</p>

دست در امتداد یا بدنه آن ها می شود. مطالعه میداین محله‌ای شهر تبریز حاکی این مورد است که این فضاها معمولاً به صورت ارگانیک و بدون طرح مشخص هندسی شکل گرفته‌اند و عمل موثری در کنترل رفت و آمد افراد بیگانه به محل به شمار می‌روند. (شکل ۳ و ۴)

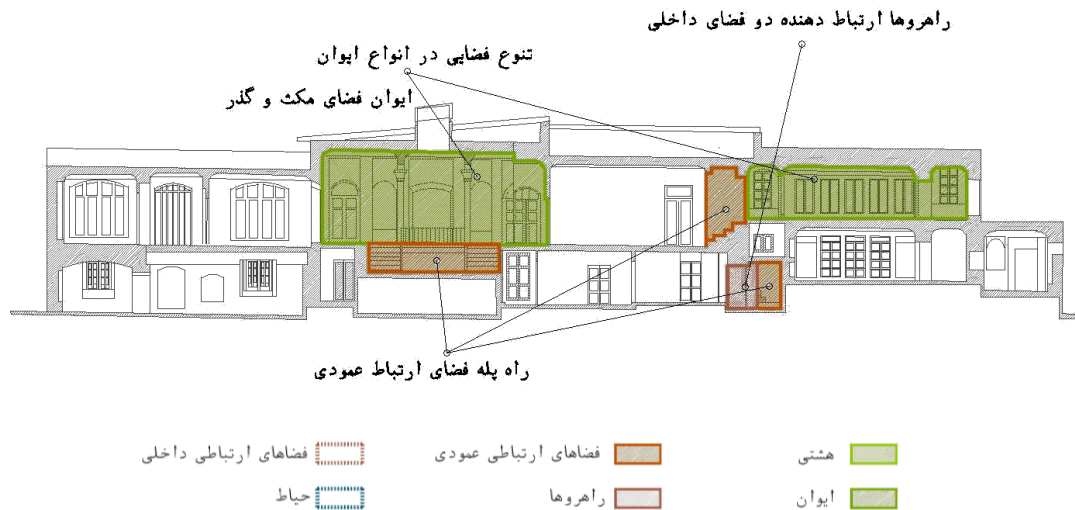
مراکز محله و میدانچه‌های مرتبط با این فضاها نقش مهمی در تعریف بخش عمومی هر محله ایفا مینماید. این فضاها به وسیله بناهای عمومی همچون مسجد، حمام، دکان و ... در بدنه آن، به عنوان مراکز تجمع و داد و ستدهای مادی و معنوی هر محله تعریف می‌شود (اصل تجمع). به واقع استقرار این فضا در کنار معابر اصلی محله ها موجب احداث عناصری از این



شکل ۳- شناسایی فضاهای بینابین در مقیاس میانی در محله شتربان - میدان صاحب الامر (۳)

کیفیت سیالیت فضایی می‌باشد که با وجود رعایت حرمت‌ها هرگز در ناظر حس انقطاع و عدم ترکیب را به وجود نمی‌آورد. (شکل ۵)

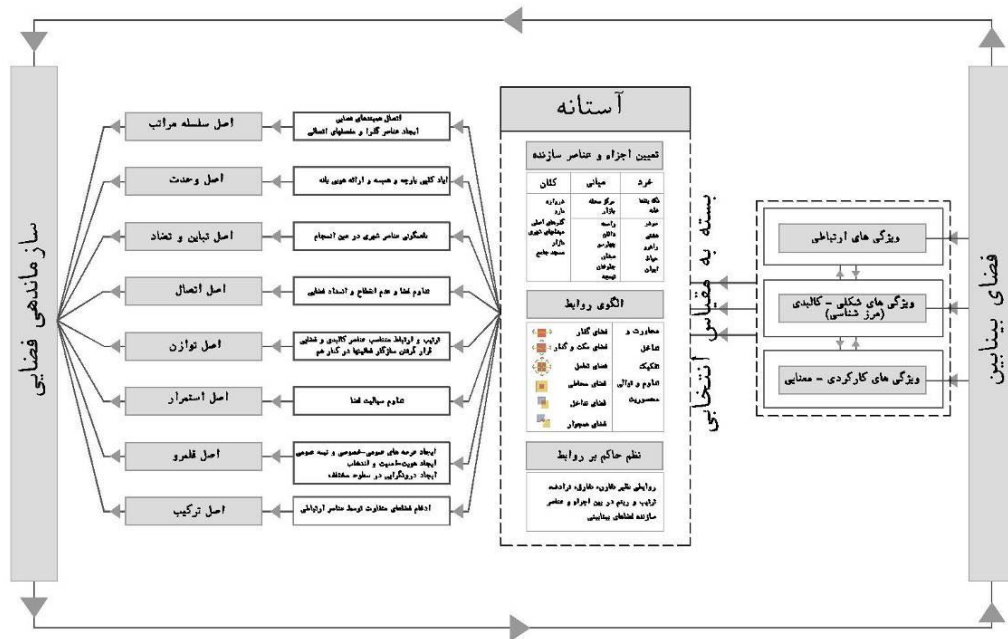
تمامی کیفیت‌های فضایی مذکور در درون واحد مسکونی نیز توسط عناصر بینابینی شکل می‌گیرد. سیر حرکت از در ورودی به هشتی، دالان، حیاط، ایوان‌ها تا اتاق‌های اندرونی خانه در عین رعایت سلسله مراتب دارای پیوستگی و



شکل ۵- شناسایی انواع فضاهای بینابین و بررسی نقش آن‌ها در سازماندهی فضایی مجموعه معماری در مقیاس خرد از طریق تأثیر در اصل سلسله مراتب فضائی در شهر تبریز، خانه حیدرزاده (۳)

معماری و شهری در تبریز قاجاری بوده و از این طریق نقش مؤثری در سازماندهی فضایی آن دارد. (نمودار ۱)

مصادیق مذکور در مقیاس‌های مختلف حاکی از آن است که: فضای بینابین (فضای سوم) یکی از عوامل اصلی پیوستگی، توالی، سلسله مراتب و عرصه بندی فضایی عناصر



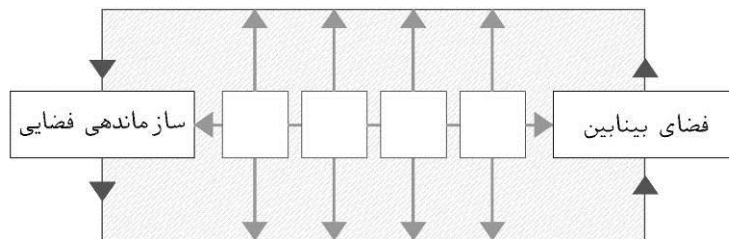
نمودار ۱- چگونگی تأثیر فضای بینابین در سازماندهی فضایی معماری شهر تبریز در دوره قاجار

نتیجه گیری

ویژگی‌های فضایی شان، در توسعه و تکامل فضاهای بینابینی تأثیر گذار می‌شوند. این نتیجه بر جامعیت مفهوم فضای بینابین در مقیاس‌های متعدد شهری و معماری و در نتیجه اهمیت توجه به فضاهای بینابین به عنوان عامل مهم تأثیرگذار بر سازماندهی فضایی تأکید می‌نماید. نتیجه‌گیری کلی از مباحث مذکور را در دیاگرام زیر می‌توان مشاهده نمود.

فضای بینابین به دلیل ویژگی پویایی و انعطاف‌پذیری بالای خود همچون غشاء سلول وظیفه دریافت، تفسیر، تغییر، تبدیل و تحول داده‌ها را دارد. در حرکتی چرخشی، فضای بینابین با بهره‌گیری از مبانی و اصول حاکم بر روابط فضایی، بر چگونگی سازماندهی فضایی مجموعه‌ها مؤثر می‌باشد و در ادامه مجموعه‌های سازماندهی شده از طریق

از طریق تاثیر در مبانی و اصول موجب



از طریق روابط فضایی تاثیر در توسعه و تکامل

نمودار ۲- رابطه فضای بینابین با سازماندهی فضایی

۴. **The Metapolis dictionary of advanced architecture** (City, technology and society in the information age), (۲۰۰۳), Printed and assembled in European Union, Barcelona.
۵. گروتز، یورگ کورت (۱۳۸۳)، **زیبایی شناسی در معماری**، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد؛ عبدالرضا همایون، تهران؛ دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم.
۶. Hillier, Bill and Hanson, Julienne (۱۹۸۴), **The Social Logic of Space**, Cambridge: Cambridge University Press.
۷. سید صدر، ابوالقاسم (۱۳۷۷)، **فلسفه فضاهای معماری**، تألیف و ترجمه ابوالقاسم صدر، تهران، بیابانی.
۸. Rapaport, Amos (۱۹۷۷), **Human Aspects of Urban Form**, New York: Pergamon.
۹. لنگ، جان (۱۳۸۶)، **آفرینش نظریه معماری**، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه دکتر علی‌رضا عینی فر، تهران، دانشگاه تهران؛ مؤسسه انتشارات و چاپ، چاپ اول ۱۳۸۱.
۱۰. Altman, Irwin (۱۹۷۵), **Environment and Social Behavior**, Monterey, Ca: Brooks/Cole.
۱۱. Pastalan, Leon (۱۹۷۰) **Privacy as an Expression of Human Territoriality**, in Leon A. Pastalan and Daniel H. Carson, eds, *Spatial Behavior of Older People*,
۱۲. همایی، جلال الدین (۱۳۶۹)، مقالات ادبی، تهران؛ انتشارات هما.
۱۳. مجتبوی، سید جلال الدین (۱۳۷۵)، مراتب و درجات وجود، مؤلف؛ محمد نقیب عطاس، مترجم؛ جلال الدین مجتبوی، تهران؛ انتشارات مطالعات اسلامی.
۱۴. نصر، سید حسین (۱۳۶۵)، **صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)**، گردآورنده م.م. شریف، تاریخ فلسفه اسلامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

در پایان باید بیان نمود که روال پیوسته و مستمر شکل‌گیری فضاهای بینابین در ساخت و سازمان فضاهای معماری و شهری تبریز، امروزه همانند سایر موارد اجتماعی و فرهنگی در کشور ما با قدری تقدم و تاخر دچار تحول گردیده است. این تحول نه تنها جهت روند تکاملی شکل‌گیری فضاهای بینابین نبود، بلکه بر اساس ناآگاهی و برخی اقدامات عجولانه موجب تخریب و در اکثر موارد ویرانی و از بین رفتن این فضاها شده است. بنابراین فضای بینابین به عنوان یک علت پنهان ولی بسیار مهم؛ نقشی کلیدی در وجود یا عدم وجود بحران در بافت تاریخی شهر تبریز خواهد داشت. چرا که فضاهای بینابین در کلیه مقیاسها از خرد تا کلان با یکدیگر مرتبط می‌باشند. این موضوع بدین معنی است که از بین رفتن و یا نادیده گرفتن این فضاها در مقیاس خرد موجبات نا به هنجاری‌های سازماندهی را در مقیاس کلان فراهم آورده است. این امر از طریق تأثیر در اصول حاکم بر سازماندهی فضایی بر پیکره مجموعه‌های معماری و شهری شهر تبریز اعمال می‌شود و در نهایت با توجه به حرکت چرخشی، تغییرات در مقیاس کلان پیامدهای شدیدی را در مقیاس خرد دربر خواهد داشت.

منابع

۱. Nooraddin, Hoshiar (۱۹۹۶), **Al Fina' A study of " in-between" spaces along streets as an urban concept in Islamic cities of the middle east with a case study in Cairo**, Department of Town and Regional planning, Faculty of Architecture, Trondheim – Norway.
۲. رضایی، رضا (۱۳۷۷)، **معماری در فضای بینابین**، مجله معمار، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۷.
۳. بلیلان، لیدا (۱۳۸۷)، **تأثیر فضای بینابین بر پیوستگی فضائی عناصر معماری و شهری در ایران**، پایان نامه دکتری معماری، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات، واحد تهران، استاد راهنما؛ دکتر ایرج اعتصام، استاد مشاور؛ دکتر سید غلامرضا اسلامی.

غفاری و مشاوره دکتر مهدی حجت، پایان نامه دکتری معماری، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.

۲۰. Venturi, Robert (۱۹۶۶), **Complexity and Contradiction in Architecture**, New York: Museum of Modern Art.

۲۱. Simmel, George (۱۹۹۴), **Bridg and door**, In leach, Neil. ed. *Rethinking Architecture*, London: Routledge, ۱۹۹۷.

۲۲. تی. هال، ادوارد (۱۳۸۵)، **بعد پنهان**، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران؛ دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۷۶.

۲۳. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۵۳)، **هستی، فضا و معماری**، ترجمه محمد حسن حافظی، انتشارات و کتابفروشی تهران.

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، **تفسیر نمونه**، تهیه و تنظیم؛ احمد علی بابائی و علی رضا داورزنی زیر نظر آیت ...

مکارم شیرازی، تهران؛ دارالکتاب الاسلامیه، ج ۱۴ و ۲۰.

۱۶. اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۸۰)، **حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی**، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان، نشر خاک.

۱۷. توسلی، محمود؛ بنیادی، ناصر (۱۳۶۹)، **طراحی فضای شهری ۲- فضای شهری و جایگاه آن در زندگی و سیمای شهری**، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.

۱۸. بلیان، لیدا (۱۳۸۶)، **بررسی عوامل تأثیر گذار در سازماندهی فضائی عناصر معماری و شهری تبریز با تأکید بر نقشه دارالسلطنه قراجه داغی ۱۲۹۷ ه.ق.** طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز.

۱۹. حکمتی، شیوا (۱۳۸۱)، **تحقق معنا، کیفیت فضایی رابطه شکل / زمینه در معماری**، به راهنمایی دکتر علی